

نگاهی به اشعار کتاب

آموزش قرآن اول دبستان

مهروش طه‌وری



عنوان کتاب: آموزش قرآن - اول دبستان
 مؤلفان: ابوالفضل انوشه پور - غلامعباس سرشور
 خراسانی - سید مهدی سیف - مسعود وکیل
 شاعر: کبری هاشمی
 تصویرگر: نفیسه شهرداری
 ناشر: وزارت آموزش و پرورش - سازمان پژوهش
 و برنامه‌ریزی آموزشی (اداره کل چاپ و توزیع
 کتاب‌های درسی)
 نوبت چاپ: هفتم (با تجدید نظر کلی) - ۱۳۸۳
 تعداد صفحات: ۶۰ صفحه

کتاب آموزش قرآن پایه اول دبستان که نخستین بار در سال ۱۳۸۳ خورشیدی، با ظاهر و محتوای جدید خود، روانه مدارس ابتدایی این سرزمین شد، نورسیده است و به قول دوستان گروه قرآن دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، با نورسیده باید مهربان بود.^۱

البته تفاوت نوسیدگان عالم انسانی با نوسیدگان عالم نشر، این است که در مورد نخست، معمولاً یقین داریم که «خطا بر قلم صنع نرفت»، ولی در مورد دیگر، باید ببینیم و بسنجیم که آیا خطایی بر قلم پدیدآورنده یا پدیدآورندگان رفته است یا نه و اگر رفته، وظیفه ماست که بگوییم تا این نوزاد، ناقص الخلقه رشد نکند.

راقم این سطور، با کم و کیف آموزش قرآن کریم در کتاب مذکور و تناسب آموزه‌ها با توانایی‌های مخاطب، کاری ندارد که این امر، نه در صلاحیت و نه در تخصص اوست. آن چه در یادداشت حاضر مدنظر قرار گرفته، ویژگی‌های هفت سروده خانم کبری هاشمی است که جانشین ترجمه هفت سوره از قرآن شده. ناگفته نماند که جز این هفت سوره، هیچ سوره دیگری و جز این هفت سروده، هیچ نظم دیگری در کتاب وجود ندارد.

براساس ادعای مؤلفان کتاب «به منظور جذابیت و تنوع در آموزش قرآن و آشنایی اجمالی

دانش‌آموزان با مفاهیم سوره‌های کتاب، برای هر سوره، یک سرود زیبا آورده شده است.»^۲

مهم‌ترین دغدغه بنده درباره این اشعار که همگی در قالب چارپاره سروده شده است، در سه سؤال خلاصه می‌شود:

۱ - آیا واقعاً هر یک از این شعرها می‌تواند خواننده حدوداً هفت ساله خود را به صورت اجمالی، با مفاهیم سوره مربوطه آشنا کند؟

۲ - آیا زبان و دایره واژگان این سروده‌ها برای مخاطبش مناسب است؟

۳ - آیا می‌توان این شعرها را با صفت «زیبا» توصیف کرد؟

در ادامه و به عنوان نمونه، چهار شعر از هفت شعر کتاب را می‌آورم و هر یک را از سه منظر یادشده، بررسی می‌کنم. البته نیازی نیست یادآوری کنیم که این چهار شعر در حقیقت، بیش از ۵۷٪ محتوای ادبی کتاب آموزش قرآن کلاس اول ابتدایی را شامل می‌شود.

چهار پاره‌ای را که جانشین ترجمه سوره «ناس» شده است، با هم می‌خوانیم:

«در این دنیا خدایا!

مرا پشت و پناهی

کمک کن تا نیستم

درون پرتگاهی

تویی در هر زمانی
 مرا یار و نگهبان
 دل و جانم نگاهدار
 به دور از شر شیطان
 اگر باشی تو با من
 بدی‌ها دور دور است
 دل و جانم، خدایا!
 پر از امید و نور است»

در این سوره، بر کلمه «ناس»، بیش از هر کلمه دیگری تأکید شده است و همین، از اهمیت مفهوم «مردم» و نقش محوری آن در سوره مورد نظر حکایت می‌کند، اما در شعر مربوطه، این مفهوم اساساً نادیده گرفته شده است. در این شعر، هیچ خبری از «رب الناس»، «ملک الناس» و «اله الناس» نیست و دو آیه «من شر الوسواس الخناس» و «الذی یوسوس فی صدور الناس»، به صورت دو بیت «دل و جانم نگاهدار / به دور از شر شیطان» و «اگر باشی تو با من / بدی‌ها دور دور است» درآمده است و هیچ نشانه‌ای هم از آیه «من الجنة و الناس» وجود ندارد.

بنابراین، شاعر دست کم از بنیادی‌ترین مفهوم سوره که شارح دیدگاه جامعه شناختی کتاب آسمانی



صاحب این اشعار بر خلاف اظهار خود، برای به شعر در آوردن معنای سوره‌ها، دست‌شان را بازتر از آن گرفته‌اند که مفهومی مقیدشان کند و اتفاقاً هیچ تصویر واضحی از مفاهیم سوره‌های مورد نظر ارائه نداده‌اند. هم‌چنین، در انتخاب زبان و دایره واژگان مناسب برای کودکان هم و سواسی به کار نبرده‌اند و دغدغه‌های زیباشناختی ایشان نیز قابل توجه نیست

روی سر فرشته‌ها
به باغ گل رسیده‌اند
مردم شاد شهر ما

بوسید صورتش را
او با فرشته‌ها گفت:
شکر خدای دانا»

سپاس و شکر تو ای خدا!
که یار خوب ما تویی
برای قلب بچه‌ها
خدای آشنا تویی»

مهم‌ترین هدف این سوره، تأکید بر ایتر نبودن پیامبر (ص) و جریان داشتن خون نبوت در رگ‌های نسل‌های بعد است و نمی‌توان این سوره را تنها مدح حضرت زهرا (س) به شمار آورد. در حالی که در شعر خانم هاشمی، چیزی از این مفهوم به چشم نمی‌خورد.

این چهارپاره، کم‌ترین حد جوهر شاعرانگی را دارد. خانم هاشمی در جایی^۲ در دفاع از شعر مذکور گفته که در بیتی از آن، نگین‌های تاج حضرت زهرا (س) را به ستاره تشبیه کرده و از آن جا که تشبیه از عناصر تخیل است، پس این شعر خالی از جوهر شاعرانگی نیست.

اولاً ایشان ستاره روی سر حضرت زهرا (س) را به تاجی آسمانی تشبیه کرده، نه نگین‌های تاج را به ستاره. ثانیاً این خیال‌بندی از اساس ضعیف است؛ زیرا خواننده نمی‌فهمد که منظور از آن ستاره چیست. ثالثاً تنها با وجود یک بیت - آن هم با این مایه از قدرت - نمی‌توان گفت که سروده‌ای، جوهر شاعرانه دارد.

ضمناً در این شعر هم کلماتی چون «یاری» و «لطف» وجود دارد که جزو دایره واژگان کودکان حدوداً هفت ساله نیست. چهارپاره زیر، جانشین ترجمه سوره «نصر» شده است:

«خبر خیر که آمده
به شهر ما نور و امید
به یاری و لطف خدا
دوباره یک مژده رسید

شکوفه‌ها سید سید

مسلمانان است، غفلت ورزیده و از تمام یا بخش اعظم چهار آیه از شش آیه سوره، چشم پوشی کرده است. به این ترتیب چه چیزی از مفهوم سوره - ولو به صورت اجمالی - باقی می‌ماند؟

گذشته از ارتباط سست معنایی بین سوره «ناس» و سروده معادلش، در شعر مورد بحث کلمات و عباراتی از قبیل «درون»، «یار»، یا «به دور از شر شیطان» به چشم می‌خورد که به دایره واژگان مخاطب تعلق ندارد.

در شعر مورد بحث، بی‌اغراق، هیچ خیال و تصویر و لحظه شاعرانه یا کشف زبانی دیده نمی‌شود و حتی اگر بیت «دل و جانم خدایا! / پر از امید و نور است» را هم در نظر بگیریم، باز نمی‌توانیم بگوییم که تعبیر استعاری «پربودن دل از نور» کشف خانم هاشمی است؛ زیرا مردم عامی ما نیز در مکالمات روزمره خود، به کرات از این تعبیر استفاده می‌کنند. جابه‌جایی غیر کودکانه و نابه‌جای ارکان جمله در بیت‌های «کمک کن تا نیفتم / درون پرتگاهی» یا «دل و جانم نگهدار / به دور از شر شیطان»، به اضافه حذف «را» پس از «دل و جانم»، تنها نمونه‌ای از موارد متعدد ضعف تألیف در این شعر است.

حال به چهارپاره‌ای می‌رسیم که برای سوره «کوثر» سروده شده است:

زهرا کوثر آمد
خندان و شاد و خوشرو
با دامنی پر از گل
با غنچه‌های خوشبو

روی سرش ستاره
یک تاج آسمانی است
بر صورت قشنگش
لبخند و مهریانی است

بابای خوب زهرا

دلم پر کن ز مهرت
که باشد پاک و روشن
همیشه دور گردان
حسد را از دل من

دعا و یاد خوبت
همیشه بر زبانم
به جز لیخند و شادی
نباشد بر لبانم»

در این شعر، هیچ نشانه‌ای از سه آیه «من شر ما خلق»، «و من شر غاسق اذا وقب» و «و من شر النفثات فی العقد» وجود ندارد؛ یعنی سه پنجم سوره نادیده گرفته شده است. در این شعر نیز هیچ عاطفه، خیال یا تصویر شاعرانه‌ای به کار نرفته و زبان بسیار سست و نارساست. به عنوان مثال، می‌توان به بیت «دل‌م پر ز مهرت / که باشد پاک و روشن» اشاره کرد. صفت «طلایی» برای نور بسیار خنثی است و کلماتی چون «مهر» و «حسد» به دایره واژگان مخاطبان این شعر تعلق ندارد. اشکالاتی از این دست، در سه شعر دیگر کتاب

هم‌چنین پیوسته‌هایی که به سفارشات افزوده می‌شوند، شاعر در باریک راهی قرار می‌گیرد که به انتخاب واژگان و مفاهیمی محدود، مجبور می‌شود. او با تنگناهای به وجود آمده، باید بتواند اثری خلق کند که حامل پیام سوره‌های مشخص شده قرآن باشد تا کودک با توجه به ویژگی‌های سنی خود، پیام را دریافت کند و نیز تصویر واضحی از مفاهیم در ذهن خود مجسم کند. هم‌چنین، کتاب درسی قرآن نیز از آوردن ترجمه فارسی سوره‌ها بی‌نیاز بود.»^۱
به گمان من، خانم هاشمی خلاف اظهار خود، برای به شعر درآوردن معنای سوره‌ها، دست‌شان را بازتر از آن گرفته‌اند که مفهومی مقیدشان کند و اتفاقاً هیچ تصویر واضحی از مفاهیم سوره‌های مورد نظر ارائه ندادند. هم‌چنین، در انتخاب زبان و دایره واژگان مناسب برای کودکان هم وسواسی به کار نبرده‌اند و دغدغه‌های زیباشناختی ایشان نیز قابل

شاعران، تنها خانم هاشمی به این دعوت لبیک گفته‌اند و به این ترتیب، درصدد توجیه این نکته سؤال برانگیز برآمده‌اند که چرا تمام شعرهای کتاب آموزش قرآن کلاس اول دبستان، سروده یک نفر است.

به نظر من، دیدگاهی که هفت شعر یاد شده را به عنوان جانشین ترجمه هفت سوره از قرآن پذیرفته است، به راحتی می‌توانست در میان آثار خودجوش شاعران دیگر، اشعاری بیابد که با مفاهیم سوره‌های مورد نظر نسبتی مشابه داشته، اما از عیار هنری بالاتری برخوردار باشد.

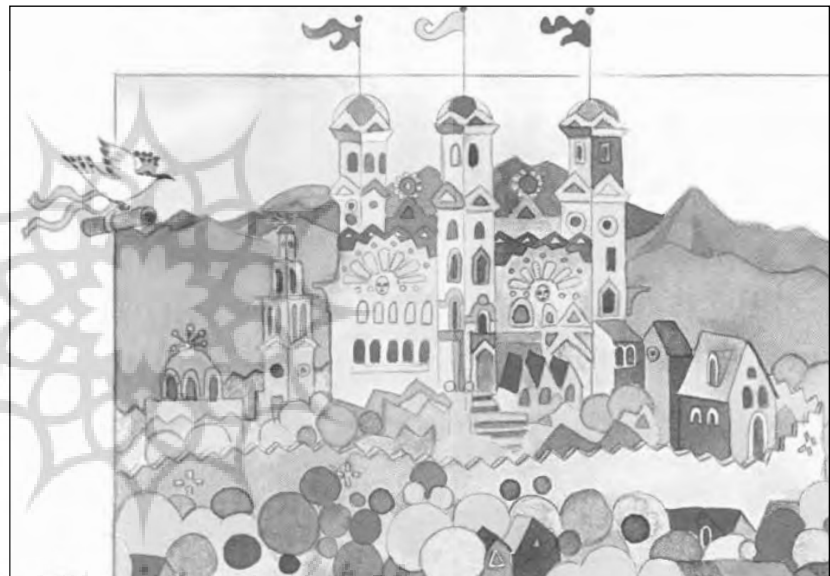
خانم هاشمی، در همان مطلبی که ذکرش رفت، در بیان محدودیت‌های‌شان برای انتخاب واژه‌ها و سرودن شعرهایی با این ویژگی‌ها، نوشته‌اند:

«اما از طرف دیگر نیز باید این محدودیت را در نظر گرفت که دانش‌آموزان پایه اول هنوز قادر به خواندن همه کلمات نیستند. بنابراین با استفاده از واژه‌های کتاب بخوانیم که برای آنان آشناست، می‌توان در خواندن شعر یاریگر آن‌ها بود.»^۲

اولاً بر اساس برنامه پیشنهادی وزارت آموزش و پرورش، آموزش سوره‌ها از هفته سوم مهر - یعنی زمانی که کلاس اولی‌ها حتی یک کلمه از شعرهای خانم هاشمی را نمی‌توانند بخوانند - آغاز می‌شود. ثانیاً و به فرض این که بچه‌ها از همان آغاز سال تحصیلی بتوانند تمام کلمات کتاب‌های «بخوانیم» و «بنویسیم» را هم بخوانند، باز کلمات و عباراتی از قبیل «هردم»، «درپی هم»، «لطف»، «یار»، «یاری»، «درون پرتگاه»، «شر شیطان»، «حسد» و... برای آنان نامناسب است. ثالثاً خانم هاشمی ظاهراً هیچ محدودیتی برای استفاده از کلمات دشوار نداشته‌اند. امیدواریم که چاپ‌های بعدی این کتاب پیراسته‌تر باشد و ما با انگیزه افزودن بر جذابیت شیوه‌های آموزشی و استفاده از روش‌های هنری برای انتقال مفاهیم مورد نظر، هم به مفهوم و هم به هنر ستم نکنیم.

پی‌نوشت:

۱. «با نورسیده مهربان باشیم»، گروه قرآن دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، رشد آموزش ابتدایی، شماره ۶۲، آذر ۱۳۸۳، صص ۳۱-۳۳.
۲. آموزش قرآن اول دبستان، ابوالفضل انوشه‌پور و...، چاپ هفتم (با تجدید نظر کلی)، اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی، ۱۳۸۳، ص «و».
۳. «نکاتی چند درباره اشعار کتاب آموزش قرآن پایه اول ابتدایی»، کبری هاشمی، رشد آموزش ابتدایی، شماره ۶۲، آذر ۱۳۸۳، ص ۳۲.
۴. «قدم نورسیده مبارک»، سید مجید کمالی، رشد آموزش ابتدایی، شماره ۵۷.
۵. «نکاتی چند درباره...»، ص ۳۲.
۶. «با نورسیده...»، ص ۳۱.
۷. «نکاتی چند درباره...»، ص ۳۳.



تساهل و تسامحی که هفت شعر یاد شده را به عنوان

جانشین ترجمه هفت سوره از قرآن پذیرفته است،

به راحتی می‌توانست در میان آثار خودجوش شاعران دیگر،

اشعاری را بیابد که با مفاهیم سوره‌های مورد نظر نسبتی مشابه داشته،

اما از عیار هنری بالاتری برخوردار باشد

مورد نظر نیز فراوان وجود دارد و تقریباً آن چه گفته شده، در مورد آن‌ها هم صدق می‌کند.
خانم هاشمی، در پاسخ به نقدی که درباره شعرهای کتاب آموزش قرآن پایه اول نوشته شده بود، اظهار داشته‌اند:

«با توجه به مطالب ذکر شده درباره محدودیت‌های شعر کودک و قالب‌هایی که با سفارش موضوع خاص مذهبی همراه می‌شوند،

توجه نیست.
کارشناسان گروه قرآن دفتر تألیف، در مقدمه همان پاسخ خانم هاشمی، نوشته‌اند:
«... پس از جست‌وجو در منابع شعر کودک، اعم از کتاب و نرم‌افزار و عدم وجود اشعاری حاوی مفاهیم سوره‌های مورد نظر، از تعدادی از شاعران عزیز خواسته شد که در این باره شعرهایی بسازند.»
و در ادامه به خواننده فهمانده‌اند که از میان آن